

لفظ مختصری از زندگی مرحوم شیخ محمدمهدی شمس الدین و مراحل تحصیلات ایشان در علوم اسلامی را بیان فرمایند.

مرحوم شیخ محمدمهدی شمس الدین از علمای بزرگ معاصر لبنان محسوب می شود. وی الواقع ایشان یکی از دو متوفی بزرگ شیعه معاصر لبنان و بحساب این دو نفر سال ۱۳۵۲ شمسی و ۱۳۷۱ قمری است.
زندگی و تحصیلات ایشان به این شرح است. زمانی به دنیا آمد که پدرش برای تحصیل از اصفهان به نجف مهاجرت کرده بود.اسامی پدرش مرحوم شیخ عبدالکریم شمس الدین است. عنوان فاضل ابن خلدوازه که شمس الدین است برگرفته از یکی از اجادیزادگان این خانواده به نام مهدول آقا شمس الدین ایجاد کرد.
شمس الدین (متوفی ۱۳۷۶) در بزرگترین علمای جبل عامل و یکی از فقهای بزرگ شیعه و روحانی است و چون و مسلم محمد مهدی از نوادگان ایشان به حساب می آید، اسامی پدرش را به اعتبار مرحوم شهید اول دارد.
دوازده ساله که بود پدرش تصمیم می گیرد به لبنان برگردد و محمد مهدی را در نجف می گذارد که تحصیلاتش را ادامه دهد. دوران تحصیل جناب شمس الدین در نجف همراه با فقر و فلاکت بسیار زیاد بوده طوری که حتی گاهی در گرسنگی کامل شبانه روز را به سر می برده و شمس الدین خود را دوران تحصیل خود به دوران فقر و عذاب یاد می کند. ولی مقاومت می کند و تحصیلاتش را تا مراتب عالیه ادامه می دهد.
بزرگترین اساتیدی که ایشان علوم اسلامی را نزدشان فرا گرفته بودند، یکی مرحوم آیت الله سیدمحمد شباطیای حکیم صاحب مستمسک العروه الزوقی و دیگری مرحوم آیت الله سیدابوالقاسم خونی هستند.
ایشان نزد مرحوم حکیم خراج فقره که می گذراند و نزد مرحوم خونی، خراج فقره و اصول را طی می کند و ایشان در زمره تحصیلات عالییه خودش در مبارزت اسلامی به مرحوم آیت الله حکیم در عراق شرکت داشته و زمانی که مرحوم حکیم به دلاپلی به بغداد برده می شود شرطه بغداد از ورود شمس الدین به پایتخت جلوگیری می کند یعنی برای خودش شخصیتی بوده، فبضای های متعدد سیاسی از ایشان صادر شده یعنی در قضای سیاسی آن زمان فعال بود.
مؤسسات دینی مختلفی را در همان عراق، قبل از مهاجرت به لبنان تأسیس کرده و وکیل مردم است. آیت الله حکیم در عراق بوده و بعد که به لبنان می آید چون مرحوم آیت الله حکیم به رحمت خدا رفت می بیند که تعداد از افراد این خوئی در بیروت محسوب می شدند واز ایشان اجازه داشتند. از جمله آرای جدید مرحوم شمس الدین در عراق به دو نکته می توان اشاره کرد:
ایشان در زمینه فقه زهد در مهم محرم(عاشورا) که در کربلا و نجف و دیگر شهرهای شیعه به شدت رواج داشته تحولی را ایجاد می کند که مقبول عام می افتد. این تحولات سیاسی درخوست است.
می کند که برای آزار ادرات به ساخت سیدالشهدا(ع) ما می توانیم به روش های دیگری هم عمل کنیم.
آنجا بانک خون، تأسیس می کند به نام امام حسین، علیه السلام و درخواست می کند در روز عاشورا هم عزاداران بیایند و برای پیمانان و کسای که به خون دارند خود اها کنند و توایش هم قطعه به آنها خواهد رسید و این امر از آن زمان رایج می شود و از بایات صالحان اشد تبلیغ فقه منی به بانک خود. امام حسین(ع) است.

تشیع در لبنان امروز قابل توجه است
هیچ اندیشه شیعی بدون توجه به آثار علمای لبنان نمی تواند پیش برود
مورد دیگر این که از همان آغاز تحصیل و تدیس، احساس می کند که علوم دینی به زبان دشواری نوشته شده و آنها را باید در زبان نزدیک کرد لذا خودش می کرده که معارف اسلامی به زبان امروزی ارائه شود.
این گرایش ایشان باعث می شود که با یک یا چند نفر از علمای نواندیش نجف همراه شوند و یکی مؤسسه ای را در حوزة نجف تأسیس می کنند که ریاست آن را مرحوم آیت الله شیخ محمدرضا مظفر بود.
نخستین کار مرحوم مظفر تدوین کتب دینی به اسلوب جدید است که به کتابت و اشخاصی می رسیدگی که «عقاید الامامیه» که مستخر است.
دوم «المنطق» که در کشور ما به منطقی مظفر مشهور است. و دیگری که «اصول الفقه» نام دارد که به اصول مظفر مشهور است.
و این هر سه کتاب، کتاب درسی حوزة های علمیه شیعه در جهان محسوب می شود و حتی در حوزة علمیه قم هم به عنوان کتاب درسی است که کار همین جمعیت متدنه الشریع است.
بعداً این جمعیت یک دانشکده در نجف تأسیس می کند بد نام «الفقه» که ظاهر آن هنوز ما در ایران ماعلش را نامیده، این که حوزة به صورت کارآموزی شکل دانشگاهی بگیرد ولی با همان عمق حوزوی، که این کتاب ها کتاب درسی دانشکده الفقه است و یکی دیگر از علمانی که

با مرحوم شیخ محمدمهدی حکیم است که ایشان هم «اصول الفقه»المقرآن نوشته که کتاب ارزنده ای در رشته اصول فقه تطبیقی است.
مرحوم محمدمهدی شمس الدین هم از استادان این دانشکده محسوب می شده و در آنجا تدریس می کرده.
دوره ده جلدی «شرح المصحح المدقیقه» متعلق به همین دانشکده است.
ظاهر آیمند این هم کمتر کاری در این حوزة با یعنی تدوین کتاب ها و برده شده.
گرچه در زمینه قم هم کارهای جدیدی صورت گرفت از جمله «السال الجدیده»، «العالم الجدید» نوشته شد.
اما از سال ۱۳۶۰ بعد از طرارت و عمق کتاب های مرحوم مظفر و کارهای یاران ایشان نماند.
جمعیت «متندلی الشریه» ۱۳۵۳ قمری و «کلیه الفقه» سال ۱۳۷۶ تأسیس شدند.

کار دیگری که این جمعیت کرد اریجاد مجل در عزاداری حسینیه بود. احساس می شود که حسینی که این همه قبول اقبال مردم هست، محتوای

که بحث حکومت اسلامی را مطرح کرد.

البته این کتاب در چاپ دوم و سوم آن اضافات جلدی شده و آرای جدید شمس الدین در چاپ سوم کتاب (۱۹۹۱م) اضافه شد.
دومین کتاب ایشان که در زمینه فقه تطبیقی سابقاً ذکر است کتابی است به نام «فی الاجتماع السیاسی الاسلامی» که این کتاب در سال ۱۹۹۲ چاپ شده و صیغه فقهی، تاریخی دارد.
من در مورد این دو کتاب با تفصیل بیشتری صحبت خواهم کرد.

این دو کتاب، شناسنامه شمس الدین در حوزة فقه سیاسی است. البته کتاب های دیگری هم دارد مثلاً درباره امام حسین (ع) چندین کتاب دارد که مهمترین آن «ذره الحسین» و «انقلاب امام حسین(ع) نام دارد. این کتاب دو بار به فارسی ترجمه شده و یکی از بهترین کتاب های است.
در زمینه امام حسین نوشته شد.
دو مقاله از وی در مورد شنهدا مطرح می شود.
بحث کتاب در این قیام جدید شلید برای اولین بار است که به این وضوح در آثار متفکرین

کتف و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین

گفت و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین

گفت و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین

مقدمه:اواخر دی ماه گذشته شیخ محمد مهدی شمس الدین روحانی برجسته لبنان و رئیس مجلس اعلا شیعیان این کشور به دیار باقی شتافت و نظر به جایگاه ارزنده علمی و وی در لبنان از سوی مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری کشورمان نمایندگانی جهت تشییع پیکر آن نورآباد شدند
ولی جایگاه علمی و فقهی این روحانی لبنانی در ایران چندان شناخته شده نیست و تنها یک کتاب از مجموعه آثار ایشان به فارسی ترجمه شده است. همین سبب و جهت نزدیک شدن به چهلمین روز رحلت ایشان درباره اندیشه های سیاسی و سوابق وی با حجت الاسلام کدیور به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید.

در مجموع این سه ترجمه بسیار به هم نزدیکند و در مسائل مختلف همفکرند و بحث های با هم دارند.در این سه نفر، امام موسی صدر و محمدمهدی شمس الدین، نست به لبنان حساسیت بیشتری دارند. زمانی که امام موسی صدر در نجف هست که امام موسی صدر در سال ۱۹۶۰ به لبنان مراجعت می کند و ۹سال بعد شمس الدین به لبنان برمی گردد، یعنی تا سال ۱۹۶۹ در نجف بوده است.
علت علم این کتاب به شمس الدین در آن زمان و کالت مردم آیت الله حکیم را در شهر اربینیه عراق به شاهد داشته و لذا مشاغل او اجازه نمی داد که او برگردد، ولی به وسیله نامه نگاری با امام موسی صدر در جزئیات مسائل لبنان قرار داشته.
بالاخره در سال ۱۹۸۰ میلادی به بیروت برمی گردد.
سال ۱۹۶۹ مصادف است با تأسیس مجلس اعلا شیعیان لبنان، که به همت والای امام موسی صدر صورت این گردید. خدمات امام موسی صدر به مسلمانان و شیعیان لبنان فراموش نشدنی است. طبرغر علم کثرت جمعیت شیعیان در طول گذشتن یک تشکیلات منحصر، حقوق آنها بسیار ضایع می شده.لذا اولین اقدام امام صدر در این زمینه بود.

در دوره اول انتخابات مجلس شیعیان لبنان، شمس الدین شرکت نمی کند. به دلیل اینکه ظاهرآ او مردودترین کاندید است که بیشتر به کارهای فرهنگی و دینی پردازد.
بالاخره در دوره دوم که سال ۱۹۷۵ است به توبه صاحب امام موسی صدر و دیگران قبول می کند و وکالت مجلس را می پذیرد و این مجلس اعلا شیعیان لبنان می شود.
سه سال بعد، امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۶هجری شمسی) در سفری به بییی ناپدید می شود.

از آن زمان، قیادت و ریاست شیعیان لبنان به پائی شمس الدین منتقل می شود.
پایبشی از این قیادت در شمس الدین متغلی می شود. چون می دانیم که پایبشی از فعالیت های شیعیان لبنان هم خارج از این مجلس دنبال می شد.

لفظ تألیفات ایشان را هم معرفی کنید؟

شیخ محمد مهدی شمس الدین در زمینه فقه و اصول مؤسسات فرهنگی و دینی و خیریه تأسیس می کند که قبل مجلس مدارس شیعه، دبیرستان، هنرستان فقه و مراکز خیریه ای است که بیشتر به کارهای امور خیر فروانی بوده است. اما تألیفات ایشان، نزدیک به ۲۵ کتاب است.
در مورد تشریح، که یکی که نامش بوده است مصاحبه ابراز کرد که در مکتوباتش که تقریرات دوره تحصیلش در نجف هم جز آن بوده، در عباراتن اسرئیل، از بین برقت و خاندان کرد

است. پرسش اصلی این است که آیا زبان می توانند به لحاظ دینی و فقهی رئیس حکومت باشند و جلد سوم این کتاب بحث حقوق زوجیه و جلد چهارم حقوق مالی زنان است.
ایشان چندین بار هم به ایران سفر کرده، در کنفرانس های مختلف در ایران شرکت کرده و سخنرانی کرده که حاصل یکی از سخنرانی ها «حرکت تاریخ از دیدگاه امام علی(ع)» است.

در سمینار امام رضا شرکت کرده، دو بار در سمینار اندیشه سیاسی و حکومت، حضور یافت و

گفت و گو

دیدگاه خود در زمینه حکومت اسلامی را در آنجا بیان کرد.

در زمینه نهادهای داخلی لبنان که مرتبط با دید سیاسی شمس الدین است اشاره ای گذرا می کنم. می دانیم که قانونی استعماری را سال ها پیش به مردم لبنان تحمیل کردند چون لبنان حاققل از سه فرقه مذهبی، شیعیان، اهل سنت و مسیحیان تشکیل شده است. اینها مقررات داشته که رئیس جمهور، هیروانه باید، سرچی برانسی باشد.
نخست زور مسلمان سنی افتاد، کرده اند نمونه بارز آن حسین تری در نجف مهدی شمس الدین است که حداقل در دو حوزة کارکردش قابل ذکر است. یکی در حوزة سیاسی و دیگری در حوزة فقه زنان.

زمانی لبنان و سوریه به خصوص حوزة جبل عامل، خود معاصر بوده اند و نکته دیگر هم حریت فکری حوزة های اصلی جهان اسلام بودند.
در زمان سفویه علمای جبل عامل هستند که می آیند ایران و تشیع را به شکل بنیادی وارد ایران می کنند.

کتف و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین

گفت و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین

اما در زمان ما دو حوزة اصلی شیعه، نجف و قم محسوب می شود و الان حوزة های مثل جبل عامل در درجه اول اهمیت نیستند.
اما بالاخره تشیع در لبنان امروز قابل توجه است و می توان گفت بعد از ایران و عراق یکی از پایگاه های بزرگ شیعی، لبنان و خصوصاً جنوب لبنان محسوب می شود و هیچ اندیشه شیعی بدون توجه به آثار علمای لبنان نمی تواند پیش برود.
شمس الدین عالمی است که فارغ از منصبی که داشته (رئیس مجلس اعلا شیعیان لبنان) یک متفکر جنبش می شود. آرای سیاسی اش را در سه کتاب می توان جستجو کرد. هر چند به نظر می رسد که این مجموعه هنوز ناتمام است.
اما این کتاب ها، «فی الاجتماع السیاسی الاسلام»، «انظام الحکوم و الاداره فی الاسلام» و «العلیه العرأ لتولئی السلطة» است.

این سه کتاب تئوری سیاسی ایشان را نشان می دهد.

بعنوان مقدمه نکته ای را اشاره می کنم. جناب شمس الدین قائل است به این که دین و سیاست حوزة مشترک دارند یعنی در هر دو مدعا دین از سیاست نیست. در مقدمه کتاب «نظام الحکوم و الاداره فی الاسلام» متذکر می شود که به دیدگاه علی عبدالرزاق مصری که قائل به تفکیک دین از سیاست شده، قائل نیست.
ایشان در آثار خودش از نوعی سیاست دینی دفاع می کند و می توان گفت که شمس الدین معتقد به یک نوع برداشت از حکومت دینی و برداشت آیت الله بر داشت از آن حکومت دینی با اشاره ای رسمی در ایران متفاوت است.
ایشان در دو کتاب اول خودش سعی کرده تا نشان دهد که دین اسلام نمی تواند بدون نظر به حوزة سیاست پیش رود و دین اسلام، آرای سیاسی در حوزة اجرائی است.
دکتر عزیز صیبت به عهد مهم گذشته است و این از امتیازات رفراندوم است.
اما به نظر شمس الدین، حکومت اسلامی در زمان پیامبر مورد اتفاق همه مسلمانان است و حکومت اسلامی زمان امام معتمد نیز مورد اتفاق علمای شیعه هست و اگرچه در کتاب هایش، هم به حکومت اسلامی در زمان پیامبر و هم در عصر و زمان انمه پرداخته.
اما می گوید آنچه که الان مسأله است این است که حکومت اسلامی در زمان غیبت کبری از سال ۲۳۹ قمری بعد از امام چگونه خواهد بود؟ پاسخ خود چگونه خواهد بود؟ و پاسخ خود چگونه خواهد بود؟ شمس الدین می گوید حکومت پیامبر و نامه مسائل تاریخی است که به ساهش در سؤال های فکندة خواهد شد.
اما در زمان غیبت چه خواهد شد.
آیادین، نگهداری خاص این حکومت در زمان غیبت به وسیله الهی است یا خیر. آن نکته تازه ای که شمس الدین به آن اشاره می کند این است که اسلام چه در قرآن و چه در سنت پیش و اهل بیت(ع) متضمن قسم خاصی از مسائل که بتوان آن را حکومت اسلامی نهاد نیست یعنی در متون دینی یک طرح مشخص برای اداره جامعه در زمان غیبت ارائه شده و موضوعی که غالب فقهای مسلمان اتخاذ کرده اند یک موضع دفاعی است که ادعا می کنند که آنچه خودشان برداشت کرده اند تشیع الهی محسوب می شود و استادشاه به ادله ای است که از این ادله (به صورت دیگری نیز می توان برداشت کرد) لذا عموماً برداشت آیت الله تنها برداشت مرحوم شمس الدین است که در کتابت او در دو کتابش به صورت مطرح می کند که مسائلی که مربوط به اجتماعات و سیاست اسلامی است از مسائل تعدیم محض بسیار است. این مسائل، مسائل عقلائی است که مسلمان تعهد، لذا قی که مسلمان به قطع عقلائی خودشان به شدت ازرو استنباط از تجربه بشری در این امور به شدت مطرح می شود.
شمس الدین معتقد است که قضیه حکومت بعنوان یک قسم از اقسام فقه اسلامی یا یک فصل از فصول

اگر در فقهای معاصر شیعه نظر فقهای معاصر لبنانی به لحاظ علمی در سطح جمعیت نیستند ولی بعنوان علمای بزرگ بلا محسوب می شوند و تفاوتی که با دیگر علما، فرضاً با علمای قم و علمای نجف دارند در مسائل زبانی است که اینها با آن مواجه بوده اند و به ظاهر علمای قم و نجف کمتر با این مسأله مواجه بوده اند و نکته دیگر هم حریت فکری و آزادی اندیشه ای است که در سطح لبنان بوده، مؤثر افتاد. آنها از تفاوت برداشت و شیعیان آنجا هستند که اندوه نمونه بارز آن حسین تری در نجف مهدی شمس الدین است که حداقل در دو حوزة کارکردش قابل ذکر است. یکی در حوزة سیاسی و دیگری در حوزة فقه زنان.

زمانی لبنان و سوریه به خصوص حوزة جبل عامل، خود هم متغیرهای ولیکن باید در نظر داشت که یک الگوی خاصی در زمان غیبت وجود دارد. به شکل مشخصی آرای ایشان نشده است یا این معناست که از متون دینی نیز توان برداشت سیاسی داشت ایشان سعی می کنند از ابلائی آیات قرآن و روایات معصومین، آن الگو و برداشت خودش را استخراج کند ولی حداقل این انصاف علمی را دارد که بگوید این برداشت من است و برداشت مقابلش را نیز با امتدادنی تمام توصیف می کند و به آن اشاره می کند.

شمس الدین می گوید ما برخلاف گذشتگان خودمان فقط به آیات الاحکامی که فقهأ آن اشاره کرده اند، نباید اکتفا کنیم. یعنی جموعه کتاب خدا که یکی از میزرات فکر ایشان هست، توجه کرد. می خورد و هم متغیرهای ولیکن باید در نظر داشت که یک الگوی خاصی در زمان غیبت وجود دارد. به شکل مشخصی آرای ایشان نشده است یا این معناست که از متون دینی نیز توان برداشت سیاسی داشت ایشان سعی می کنند از ابلائی آیات قرآن و روایات معصومین، آن الگو و برداشت خودش را استخراج کند ولی حداقل این انصاف علمی را دارد که بگوید این برداشت من است و برداشت مقابلش را نیز با امتدادنی تمام توصیف می کند و به آن اشاره می کند.

شمس الدین می گوید ما برخلاف گذشتگان خودمان فقط به آیات الاحکامی که فقهأ آن اشاره کرده اند، نباید اکتفا کنیم. یعنی جموعه کتاب خدا که یکی از میزرات فکر ایشان هست، توجه کرد. می خورد و هم متغیرهای ولیکن باید در نظر زمان تشیع در دایم که در فهم احکام بسیار مهم است یعنی ظریفی را استفاده می کند. مثلاً از قصه فرعون و موسی یا از قصه ملکه سیاسیاسلیام.
مورد دیگری را استفاده می کند و نشان می دهد که قواعد کلی در زمینه سیاسی در قرآن کم نیست. ما نباید فقط به همان ۵۰ یا ۶۰ آیه آیات الاحکام است اکتفا کنیم. باید عرف به یکی از میزرات فکر ایشان هست، توجه کرد. می خورد و هم متغیرهای ولیکن باید در نظر زمان تشیع در دایم که در فهم احکام بسیار مهم است یعنی ظریفی را استفاده می کند. مثلاً از قصه فرعون و موسی یا از قصه ملکه سیاسیاسلیام.
مورد دیگری را استفاده می کند و نشان می دهد که قواعد کلی در زمینه سیاسی در قرآن کم نیست. ما نباید فقط به همان ۵۰ یا ۶۰ آیه آیات الاحکام است اکتفا کنیم. باید عرف به یکی از میزرات فکر ایشان هست، توجه کرد. می خورد و هم متغیرهای ولیکن باید در نظر زمان تشیع در دایم که در فهم احکام بسیار مهم است یعنی ظریفی را استفاده می کند. مثلاً از قصه فرعون و موسی یا از قصه ملکه سیاسیاسلیام.
مورد دیگری را استفاده می کند و نشان می دهد که قواعد کلی در بین فقهای شیعه به چشم می خورد برای اداره جامعه که توجه به مقدمه ای که عرض کردم، معلوم می شود که این دو برداشت از متون دینی است.

بعنوان مقدمه نکته ای را اشاره می کنم. جناب شمس الدین قائل است به این که دین و سیاست حوزة مشترک دارند یعنی در هر دو مدعا دین از سیاست نیست. در مقدمه کتاب «نظام الحکوم و الاداره فی الاسلام» متذکر می شود که به دیدگاه علی عبدالرزاق مصری که قائل به تفکیک دین از سیاست شده، قائل نیست.
ایشان در آثار خودش از نوعی سیاست دینی دفاع می کند و می توان گفت که شمس الدین معتقد به یک نوع برداشت از حکومت دینی و برداشت آیت الله بر داشت از آن حکومت دینی با اشاره ای رسمی در ایران متفاوت است.
ایشان در دو کتاب اول خودش سعی کرده تا نشان دهد که دین اسلام نمی تواند بدون نظر به حوزة سیاست پیش رود و دین اسلام، آرای سیاسی در حوزة اجرائی است.
دکتر عزیز صیبت به عهد مهم گذشته است و این از امتیازات رفراندوم است.
اما به نظر شمس الدین، حکومت اسلامی در زمان پیامبر مورد اتفاق همه مسلمانان است و حکومت اسلامی زمان امام معتمد نیز مورد اتفاق علمای شیعه هست و اگرچه در کتاب هایش، هم به حکومت اسلامی در زمان پیامبر و هم در عصر و زمان انمه پرداخته.
اما می گوید آنچه که الان مسأله است این است که حکومت اسلامی در زمان غیبت کبری از سال ۲۳۹ قمری بعد از امام چگونه خواهد بود؟ پاسخ خود چگونه خواهد بود؟ و پاسخ خود چگونه خواهد بود؟ شمس الدین می گوید حکومت پیامبر و نامه مسائل تاریخی است که به ساهش در سؤال های فکندة خواهد شد.
اما در زمان غیبت چه خواهد شد.
آیادین، نگهداری خاص این حکومت در زمان غیبت به وسیله الهی است یا خیر. آن نکته تازه ای که شمس الدین به آن اشاره می کند این است که اسلام چه در قرآن و چه در سنت پیش و اهل بیت(ع) متضمن قسم خاصی از مسائل که بتوان آن را حکومت اسلامی نهاد نیست یعنی در متون دینی یک طرح مشخص برای اداره جامعه در زمان غیبت ارائه شده و موضوعی که غالب فقهای مسلمان اتخاذ کرده اند یک موضع دفاعی است که ادعا می کنند که آنچه خودشان برداشت کرده اند تشیع الهی محسوب می شود و استادشاه به ادله ای است که از این ادله (به صورت دیگری نیز می توان برداشت کرد) لذا عموماً برداشت آیت الله تنها برداشت مرحوم شمس الدین است که در کتابت او در دو کتابش به صورت مطرح می کند که مسائلی که مربوط به اجتماعات و سیاست اسلامی است از مسائل تعدیم محض بسیار است. این مسائل، مسائل عقلائی است که مسلمان تعهد، لذا قی که مسلمان به قطع عقلائی خودشان به شدت ازرو استنباط از تجربه بشری در این امور به شدت مطرح می شود.
شمس الدین معتقد است که قضیه حکومت بعنوان یک قسم از اقسام فقه اسلامی یا یک فصل از فصول

اگر در فقهای معاصر شیعه نظر فقهای معاصر لبنانی به لحاظ علمی در سطح جمعیت نیستند ولی بعنوان علمای بزرگ بلا محسوب می شوند و تفاوتی که با دیگر علما، فرضاً با علمای قم و علمای نجف دارند در مسائل زبانی است که اینها با آن مواجه بوده اند و به ظاهر علمای قم و نجف کمتر با این مسأله مواجه بوده اند و نکته دیگر هم حریت فکری و آزادی اندیشه ای است که در سطح لبنان بوده، مؤثر افتاد. آنها از تفاوت برداشت و شیعیان آنجا هستند که اندوه نمونه بارز آن حسین تری در نجف مهدی شمس الدین است که حداقل در دو حوزة کارکردش قابل ذکر است. یکی در حوزة سیاسی و دیگری در حوزة فقه زنان.

زمانی لبنان و سوریه به خصوص حوزة جبل عامل، خود معاصر بوده اند و نکته دیگر هم حریت فکری حوزة های اصلی جهان اسلام بودند.
در زمان سفویه علمای جبل عامل هستند که می آیند ایران و تشیع را به شکل بنیادی وارد ایران می کنند.

گفت و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین

گفت و گو با حجت الاسلام دکتر محسن کدیور به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ محمدمهدی شمس الدین
مقدمه:اواخر دی ماه گذشته شیخ محمد مهدی شمس الدین روحانی برجسته لبنان و رئیس مجلس اعلا شیعیان این کشور به دیار باقی شتافت و نظر به جایگاه ارزنده علمی و وی در لبنان از سوی مقام معظم رهبری و رئیس جمهوری کشورمان نمایندگانی جهت تشییع پیکر آن نورآباد شدند
ولی جایگاه علمی و فقهی این روحانی لبنانی در ایران چندان شناخته شده نیست و تنها یک کتاب از مجموعه آثار ایشان به فارسی ترجمه شده است. همین سبب و جهت نزدیک شدن به چهلمین روز رحلت ایشان درباره اندیشه های سیاسی و سوابق وی با حجت الاسلام کدیور به گفتگو نشستیم که در ادامه می خوانید.
در مجموع این سه ترجمه بسیار به هم نزدیکند و در مسائل مختلف همفکرند و بحث های با هم دارند.در این سه نفر، امام موسی صدر و محمدمهدی شمس الدین، نست به لبنان حساسیت بیشتری دارند. زمانی که امام موسی صدر در نجف هست که امام موسی صدر در سال ۱۹۶۰ به لبنان مراجعت می کند و ۹سال بعد شمس الدین به لبنان برمی گردد، یعنی تا سال ۱۹۶۹ در نجف بوده است.
علت علم این کتاب به شمس الدین در آن زمان و کالت مردم آیت الله حکیم را در شهر اربینیه عراق به شاهد داشته و لذا مشاغل او اجازه نمی داد که او برگردد، ولی به وسیله نامه نگاری با امام موسی صدر در جزئیات مسائل لبنان قرار داشته.
بالاخره در سال ۱۹۸۰ میلادی به بیروت برمی گردد.
سال ۱۹۶۹ مصادف است با تأسیس مجلس اعلا شیعیان لبنان، که به همت والای امام موسی صدر صورت این گردید. خدمات امام موسی صدر به مسلمانان و شیعیان لبنان فراموش نشدنی است. طبرغر علم کثرت جمعیت شیعیان در طول گذشتن یک تشکیلات منحصر، حقوق آنها بسیار ضایع می شده.لذا اولین اقدام امام صدر در این زمینه بود.